مطالعات محیطی هفت حصار شماره بیست و چهارم/ سال ششم/ تابستان ۱۳۹۷
صفحات ۵۴-۴۱

نقش کیفیت زندگی در ایجاد تاب‌آوری اجتماعی

نیما قیطرانی*، مجید شمس**، بیژن رحمانی***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۲/۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۴/۱

چکیده

کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و کاهش میزان بارندگی در ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر زمینه تغییرات عمده‌ای را در معیشت‌های شهری و روستایی فراهم آورده است. این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا کیفیت زندگی ذهنی می‌تواند باعث سرعت بخشیدن به انطباق‌پذیری در برابر تغییرات ایجادشده در معیشت شهری و روستایی شود؟ برای پاسخ دادن به این سؤال روستایی به‌عنوان نمونه موردمطالعه در این تحقیق در استان همدان انتخاب شد. در این روستا در سال‌های اخیر کاهش چشمگیر آب‌های زیرزمینی اتفاق افتاده است و همزمان با آن روند مهاجرت از این روستا سیر افزایشی شدیدی را نشان داده است. در این تحقیق پرسشنامه‌ای شامل۱۰سؤال در بین ۳۰۷ نفر از سرپرستان خانوار این روستا توزیع گردید و مصاحبه‌های عمیقی در کنار این پرسشنامه‌ها به عمل آمد. درنهایت از طریق تحلیل‌های آماری مشخص گردید عامل رضایتمندی از زندگی توانسته است در کنار عواملی نظیر نهادسازی، کیفیت روابط اجتماعی و یادگیری، روند انطباق‌پذیری را در بین روستاییان تسریع بخشیده و به‌عنوان یک عامل شتاب‌دهنده موجب افزایش اجتماعی تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تغییرات اقلیمی گردد. درنهایت روستاییان مجدداً برای دستیابی به رضایتمندی از زندگی که در روستای خود داشتند همراه با آموزش‌هایی که در شهرهای صنعتی مورد مهاجرتشان دیده بودند به روستای زادگاهشان بازگشته و به مشاغلی غیر از کشاورزی که تحت تأثیر تغییرات اقلیمی کارایی خود را ازدست‌داده بود مشغول شدند. این مؤکد نقش کیفیت زندگی ذهنی به‌عنوان عاملی کمک‌کننده برای انطباق‌پذیری در برابر تغییرات اقلیمی خواهد بود.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری اجتماعی، رضایتمندی از زندگی، خشک‌سالی، روستا

* دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر (نویسنده مسئول)
** استاد تمام گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر
***دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1397.6.24.6.3]

مقدمه

طی چند دهه اخیر نگرانی‌ها در رابطه با اثرات اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی تغییرات اقلیمی[1] بر سکونتگاه‌های زیست پذیر بشر افزایش‌یافته است (McGranahan et al, 2007; Watson et al, 1996; Adger et al, 2003). با توجه به وضعیت نامناسب اجتماعی و اقتصادی در کشورهای درحال‌توسعه اثرات تغییرات اقلیمی در آن‌ها آسیب‌پذیری[2] بیشتری را به دنبال آورده است (Burton, 2005; Houghton, 1992; Markandya, & Halsnaes, 2002). از این میان سکونتگاه‌ها و مکان‌های استقرار انسانی که بیشتر با محیط پیرامونی در ارتباط می‌باشند و به‌نوعی در معرض تأثیرپذیری[3] مستقیم از محیط می‌باشند و همچنین حساسیت (sensitivity)[4] بیشتری دارند، بسیار آسیب‌پذیر هستند (McGranahan et al, 2007; Magadza, 2000; McCarthy, 2001). ازجمله این مکان‌ها می‌توان جوامع روستایی که مثال بارز مکان‌هایی هستند که بیشترین تأثیر را از تغییرات اقلیمی می‌پذیرند را نام برد (Kalnay & Cai, 2003; Adger, 1999). بحران آب در ایران سلسله چالش‌ها و مشکلات ناشی از کمبود آب و استفاده نادرست از منابع آب در کشور ایران است. ایران کشوری با اقلیم عمدتاً گرم و خشک است. رشد سریع جمعیت مهم‌ترین عامل کاهش سرانه آب تجدیدشونده کشور در قرن گذشته بوده است. جمعیت ایران در طی هشت دهه، از حدود ۸ میلیون نفر در سال ۰۶–۱۳۰۰ به ۷۸ میلیون نفر تا پایان سال ۱۳۹۲ رسیده است. بر این اساس میزان سرانه آب تجدید پذیر سالانه کشور از میزان حدود ۱۳۰۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۰۰ به حدود ۱۴۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۹۲ تقلیل یافته و در صورت ادامه این روند، وضعیت در آینده به‌مراتب بدتر خواهد شد (Hamzekhani et al, 2016). گزارش استان همدان ازنظر آب‌های زیرزمینی در بعضی از مناطق مثل دشت‌های نهاوند، رزن، فامنین، کبودرآهنگ و همدان، بهار درگذشته وضعیت مطلوبی داشته ولی در سال‌های اخیر به علت بهره‌برداری بی‌رویه سطح آب‌های زیرزمینی در این دشت‌ها با کاهش شدید مواجه شده و وضعیت بحرانی پیداکرده است. بیشترین استفاده از منابع آب استان در بخش کشاورزی است و پس‌ازآن، مصارف شهری و روستایی و سپس بخش صنعت و معدن قرار دارند.

با توجه به ادبیات تغییرات اقلیمی به‌ویژه آن‌هایی که اثرگذار در کاهش آب‌های قابل شرب هستند، بهترین رویکردی که در این پدیده می‌توان اتخاذ کرد رویکرد انطباق‌پذیری[5] است (Lobell & Burke, 2008; Füssel: 2007) که این امر خود منجر به تاب آور ساختن این روستاها در مواجهه با اثرات مستقیمی است که تغییرات اقلیمی در وضعیت جدید برای آن‌ها رقم‌زده است. ایده تاب‌آوری[6] بافت شهری از مطالعات اکولوژیکی ناشی شده است که بررسی برگ خریدهای خارجی مزاحم بر محیط را در دستور کار خورد قرار می‌دهند (Füssel: 2007)؛ درواقع انطباق‌پذیری مکان‌ها و سکونتگاه‌ها در مقابل تغییرات حادث‌شده در اثر تغییرات اقلیمی موجب می‌شود میزان تاب‌آوری این مکان‌ها افزایش پیدا کند. هولینگ[7] (۱۹۷۳) برای اولین بار تاب‌آوری محیطی[8] را بدین‌صورت تعریف می‌کند: توانایی یک سیستم برای جذب تغییرات بیشتر و پایداری عناصر و روابط درون سیستم (Holling, 1973: 17). پژوهشگران دیگری نیز هرکدام به‌نوعی تاب‌آوری محیطی را تعریف کرده‌اند (Barnett & Connor, 2001; Gunderson, 2001). به‌عبارت‌دیگر، تاب‌آوری را می‌توان ظرفیت یک سیستم در از عهده برآمدن به‌هنگام اغتشاشات و حفظ عملکردهای خود تعریف کرد (Gunderson et al, 2001). در پژوهش‌های متعددی ایده تاب‌آوری در دستگاه‌های اجتماعی و انسانی به‌کاربرده است (Pelling, 2003; Leichenko, 2011). فولک[9] (۲۰۱۰) بیان می‌کند که مفهوم تاب‌آوری مرتبط با دستگاه‌های پیچیده و پویا هست که دارای ویژگی‌های توسعه از چند بعد می‌باشند (Pelling, 2012). البته در مقابل ایده تاب‌آوری مفهوم آسیب‌پذیری نیز وجود دارد (Gallopín: 2006; Cannon & Mahn: 2010). آسیب‌پذیری می‌تواند به‌عنوان جمع سنجه‌های مرتبط با رفاه انسانی تعریف شود به‌طوری‌که مفاهیم محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در معرض تهدید قرار دارند را به‌طور جمعی موردبررسی قرار می‌دهد (Downing, 1992). درواقع دو مفهوم آسیب‌پذیری و تاب‌آوری در تضاد با یکدیگر هستند و به نظر می‌رسد مقوله تاب‌آوری رویکردی پیشگیرانه نسبت به کاهش یا حذف آسیب‌پذیری احتمالی است (Hufschmidt, 2011; Pelling, 2012; Akter & Mallick: 2013).

بنابراین با توجه به تغییرات اقلیمی حادث‌شده در سطح جهانی، ملی و منطقه‌ای، معیشت بسیاری از روستاییان تحت تأثیر کاهش آب در دسترس برای کشاورزی و آشامیدن قرارگرفته و خواهد گرفت (Halpern, 2015). در روستاهای شهرستان فامنین به‌عنوان منطقه موردمطالعه تحقیق در سال‌های اخیر بسیاری از روستاها تحت تأثیر مهاجرت‌های روستا به شهر خالی از سکنه شده و بسیاری دیگر با بحران کمبود و نبود آب و دیگر منابع موردنیاز زیستی و نبود اشتغال دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این در حالی است که اقدامات در سطح ملی و شهرستان فامنین عموماً متوجه تأمین زیرساخت‌هایی نظیر راه‌های آسفالته و آب‌رسانی با تانکر به روستاییان و احداث خانه‌های با سازه‌های

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1397.6.24.6.3]

مقاوم بوده‌اند. با توجه به تعریفی که از تاب‌آوری اجتماعی[۱۰] در بالا ارائه شد ساختارهای اجتماعی نیز می‌بایست خود را با تغییرات حادث‌شده در اثر تغییرات اقلیمی وفق دهند. به نظر می‌رسد در برخی روستاهای شهرستان فامنین نظیر روستاهای سراوک، اصله، فیض‌آباد و نگار خاتون (با نرخ رشدهای جمعیتی ۰.۷۳، ۱.۲۶ و ۲.۲۵ طبق آمار سال ۱۳۹۰) ساختارهای اجتماعی خانوار توانسته‌اند به‌طور نسبی خود را با شرایط اقلیمی جدید وفق داده و در این روستاها به زندگی خود ادامه دهند. این در حالی است که روستاهایی نیز در این شهرستان وجود دارند که ساکنین آن‌ها این اندازه موفق با تطبیق وضعیت زندگی خود با شرایط جدید اقلیمی نبوده‌اند و ازجمله این روستاها می‌توان به روستای امامزاده پیرنهان، امین‌آباد، طواله (با ترتیب با نرخ رشدهای -۰.۴۵، -۰.۹۸، -۱.۴۷ طبق آمار سال ۱۳۹۰) اشاره نمود؛ بنابراین تغییرات اقلیمی حادث‌شده یکسان در شهرستان فامنین، در کنار اقدامات توسعه‌ای که از طرح بنیاد مسکن این شهرستان صورت پذیرفته و معمولاً مربوط به موارد مشابهی در همه روستاهای این شهرستان می‌شده و با توجه به اینکه به‌جز روستای سراوک سایر روستاها از معیشت غیر از کشاورزی درده‌های اخیر امرارمعاش کرده‌اند، میزان ماندگاری جمعیت و مهاجرت جمعی از برخی روستاها تأمل‌برانگیز است (Afrakhteh et al, 2015). به نظر می‌رسد عاملی غیر از بحران‌های طبیعی ناشی از تغییرات اقلیمی، اقدامات توسعه‌ای نهادهای مسئول و نحوه اشتغال روستاییان این تفاوت معنی‌دار را در دفع و جذب جمعیت در مناطق روستایی شهرستان فامنین سبب شده است. با مرور متون مربوط به ادبیات کیفیت زندگی درمی‌یابیم کیفیت زندگی نقش مؤثری بر انسجام ساختارهای اجتماعی دارد (Abbott & Pachucki: 2016). از طرفی یکی از اثراتی که خطرات زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی در یک جامعه دارند از هم پاشیدن ساختارهای اجتماعی است (Herrick & Beh: 2015; Aldy, 2015; Boonstra & Hanh: 2015). به نظر می‌رسد رضایتمندی ذهنی می‌تواند به‌عنوان عاملی اجتماعی در انطباق سریع جوامع با وضعیت جدید و نتیجتاً کاهش آسیب‌پذیری مؤثر باشد (Helliwell et al, 2013; Yuen et al, 2013; Blaikie et al, 2014). اگرچه تحقیقات فراوانی در رابطه با نحوه انطباق‌پذیری در برابر تغییرات اقلیمی انجام‌شده و در بسیاری از آن‌ها ارتقاء میزان تاب‌آوری سکونتگاه‌ها پیشنهاد داده‌شده است (Pelling, 2012; Adger et al, 2012)، در زمینه نحوه کاهش میزان آسیب‌پذیری اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی توجه کافی نشده است. بیان اثرات اجتماعی در هنگام مواجهه با بلایا به طریق ملموس با دشواری‌هایی همراه بوده است که این موضوع باعث عدم پرداختن کافی به ابعاد اجتماعی آسیب‌پذیری شده است (Cutter et al, 2003).

در همین راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که کیفیت زندگی ذهنی از چه مسیری و با چه سازوکاری باعث سرعت بخشیدن به انطباق‌پذیری در برابر تغییرات اقلیمی حادث‌شده خواهد شد. پژوهش حاضر با توجه به مسئله و سؤال تحقیق، روستایی در منطقه فامنین در استان همدان که یکی استان‌های غربی ایران است را در رابطه با اثرات تغییرات اقلیمی، کیفیت زندگی، انطباق‌پذیری و همچنین آسیب‌پذیری موردبررسی قرار می‌دهد. همان‌طوری که در تصویر (۱) مشخص است شهرستان فامنین در قسمت غربی ایران شاهد افت شدید منابع آبی زیرزمینی بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۴ بوده است.

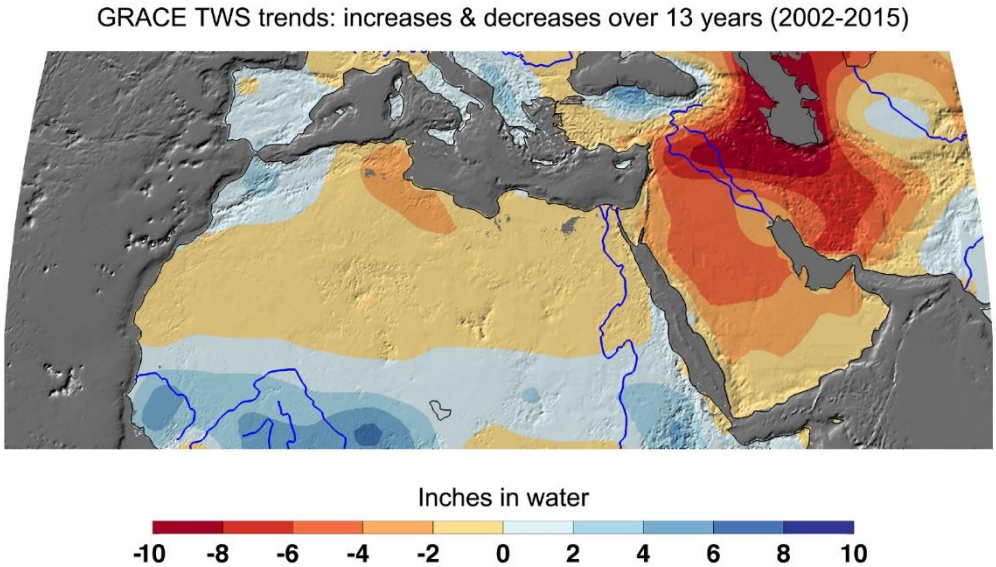

تصویر ۱- تغییرات سطح آب‌های زیرزمینی بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۴
(http://www.jpl.nasa.gov/)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1397.6.24.6.3]

این امر باعث از بین رفتن سازمان کشاورزی که اساس معیشت مردم فامنین را تأمین می‌کرده است شده است. با توجه به دو مفهوم عمده انطباق‌پذیری و کیفیت زندگی پژوهش حاضر قصد دارد که تأثیر کیفیت زندگی ذهنی این روستاییان را بر میزان انطباق‌پذیری و همچنین آسیب‌پذیری آن‌ها موردبررسی قرار دهد.

آسیب‌پذیری و انطباق‌پذیری در برابر تغییرات اقلیمی: واژه آسیب‌پذیری توسط نظریه‌پردازان زیادی در قالب مفاهیم نسبتاً متفاوتی تاکنون به‌کاربرده شده است (Füssel, 2007). مفهوم آسیب‌پذیری به معنای درجه خطرپذیری یک سیستم است (Turner et al, 2003). این یعنی چقدر یک سیستم در معرض وقوع مخاطرات مشخصی است و نوع این مخاطرات از طریق دیدگاه‌ها و مدل‌های گوناگونی تعیین‌شده است (Gow, 2005). هرروز شواهد بیشتری از تحت تأثیر قرار گرفتن دستگاه‌های طبیعی و اجتماعی در برابر تغییرات اقلیمی پیدا می‌شود. دستگاه‌های طبیعی به علت ظرفیت انطباق‌پذیری محدودی که در برابر تغییرات اقلیمی حادث‌شده دارند در معرض آسیب‌پذیری می‌باشند. دستگاه‌های اجتماعی نظیر منابع آب، کشاورزی (مربوط به منابع غذایی)، خدمات مالی و مربوط به‌سلامتی نیز در معرض چنین آسیب‌پذیری‌هایی می‌باشند (McCarthy, 2001). هدف اساسی ارزیابی آسیب‌پذیری تنظیم سیاست‌های توسعه برای کاهش اثرات سوء تغییرات اقلیمی است (Füssel & Klein, 2006).

به‌زعم برخی پژوهشگران آسیب‌پذیری می‌تواند شامل آسیب‌پذیری در برابر مخاطرات طبیعی باشد (Hewitt, 1997; Cutter et al, 2003). همچنین ابعاد اجتماعی آسیب‌پذیری در ارتباط تنگاتنگی با مکان‌های استقرار گروه‌های اجتماعی قرار دارد (Kasperson et al, 1995). فریس[11] (۲۰۰۶) بیان داشت که رابطه معنی‌داری بین ساختارهای اجتماعی یک جامعه با متغیرهای رضایتمندی[12]، رفاه اجتماعی[13] و کیفیت زندگی[14] وجود دارد. هگارتی[15] و همکارانش (۲۰۰۱) بیان کردند که ساختارهای اجتماعی به‌عنوان یکی از نیروهای به وجود آورنده کیفیت زندگی شناخته می‌شوند. سیرجی و کورن ول[16] (۲۰۰۱) بیان کردند که رضایتمندی حاصل از روابط اجتماعی منجر به شکل‌گیری سطحی از کیفیت ذهنی زندگی می‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد که متغیرهای اجتماعی و به‌عبارت‌دیگر انسجام اجتماعی بین افراد در یک سیستم رابطه مستقیمی با درک مردم از زندگی خود و یا به عبارتی کیفیت زندگی ذهنی مردم دارد، این عبارت اساس شکل‌گیری پژوهش حاضر است.

دومن و اوبنگ[17] (۲۰۱۶)، آسیب‌پذیری اجتماعی را در جوامع روستایی در دو منطقه اکولوژیکی در غنا موردبررسی قراردادند. آن‌ها برای ارزیابی آسیب‌پذیری اجتماعی و پس از بررسی مطالعات مرتبط در این زمینه سه دسته از عوامل آسیب‌پذیری را به‌عنوان اجزاء اصلی آسیب‌پذیری مورد شناسایی قراردادند و برای هر دسته دو زیرشاخه به‌عنوان زیرمجموعه در نظر گرفتند. همچنین آن‌ها اثرات این شاخص‌ها را بر روی آسیب‌پذیری مورداشاره قراردادند. جدول زیر این عوامل و شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱- عوامل و شاخص‌های آسیب‌پذیری اجتماعی

عوامل آسیب‌پذیری (اجزاء اصلی)	شاخص‌های آسیب‌پذیری (زیرمجموعه‌ها)
جمعیت شناختی	بعد خانوار
	سواد
اقتصادی	تنوع منابع درآمدی
	مشاغل حساس نسبت به تغییرات اقلیمی
اجتماعی	دسترسی به اطلاعات
	وابستگی به منابع طبیعی (جنگلی)

(Dumenu & Obeng, 2016: 210)

اریکسن[18] و همکارانش در سال ۲۰۰۷ در گزارشی که در دانشگاه اسلو[19] در نروژ برای آژانس همکاری توسعه نروژ (NORAD) تهیه کردند، نحوه ارتباط یافتن فقر و آسیب‌پذیری را موردبررسی قراردادند. به‌زعم ایشان باوجود ارتباط تنگاتنگ آسیب‌پذیری و فقر نمی‌توان ادعا نمود که ضرورتاً با کاهش آسیب‌پذیری می‌توان فقر را کاهش داد یا بالعکس. آن‌ها درنهایت پیشنهاد می‌دهند که ظرفیت انطباق‌پذیری افراد فقیر می‌بایست توسط ضوابط انطباق‌پذیری[20] مورد برنامه‌ریزی قرار گیرد. آن دسته از ضوابط انطباق‌پذیری که باعث می‌شوند برخی از افراد نتوانند به منابع آبی برای مقابله با خشک‌سالی به‌طور مثال کنار بیایند مورد تأکید نبوده و بیشتر بر کاهش آسیب‌پذیری که شرایط اجتماعی و محیطی را در برگرفته تأکید می‌شود. شکل زیر رویکرد پیشنهادی برای ارتباط یافتن فقر و آسیب‌پذیری را نشان می‌دهد (Eriksen et al, 2007).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1397.6.24.6.3]

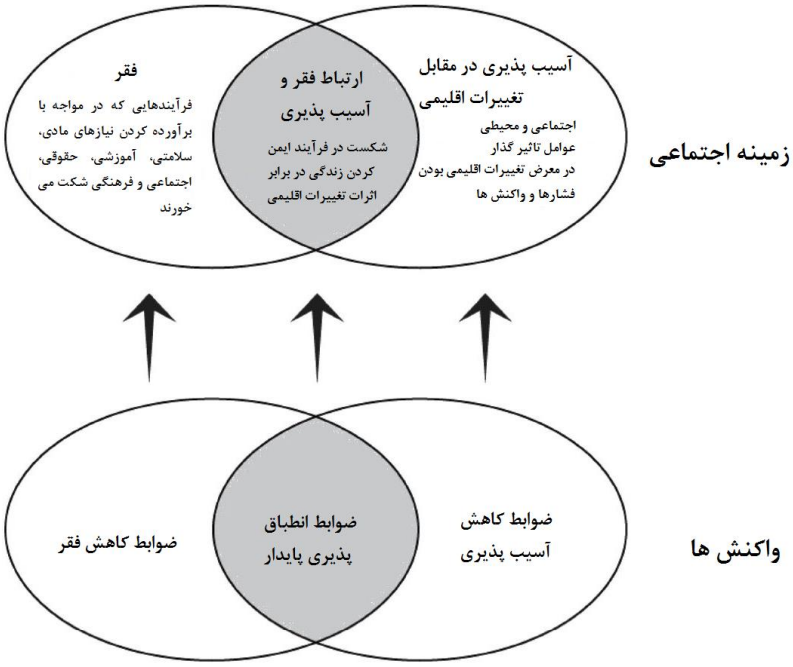

تصویر ۲- رویکرد پیشنهادی اریکسن و همکارانش در مورد ارتباط فقر و آسیب‌پذیری
(Eriksen et al, 2007)

در پژوهش دیگری که در سال ۲۰۱۲ توسط جنتل و ماراسنی[۲۱] انجام شد تأثیرات تغییرات اقلیمی بر معیشت جوامع روستایی ساکن در کوهستان‌های نپال[۲۲] بررسی شد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تغییرات الگوهای آب و هوایی به‌طور چشمگیری معیشت این جوامع روستایی را تغییر داده است. این تغییرات شامل کاهش منابع مالی در دسترس، کمیاب شدن منابع غذایی، عدم دسترسی به خدمات و نابرابری‌های اجتماعی می‌شد. نکته جالب‌توجه در تحقیق آن‌ها این بود که تغییرات اقلیمی اثری دوچندان بر جوامع فقیر خواهد داشت و این بدان خاطر است که شدت دست‌وپنجه نرم کردن چنین مردمانی با انواع مشکلات دوچندان است.

کیفیت زندگی: مفهوم کیفیت زندگی پارادایم جدیدی درزمینه کنترل اجتماعی است (Vitale, 2008). طی دهه‌های اخیر، برخی نظریه‌پردازان «زندگی خوب[۲۳]» را به‌عنوان مفهوم کیفیت زندگی تعریف کرده‌اند (Fayers & Machin, 2013). همچنین رویکردهای بسیاری جهت شناسایی و اندازه‌گیری سطح کیفیت زندگی پیشنهاد داده‌شده است. در این زمینه شاخص‌های اجتماعی نظیر سلامتی و نرخ وقوع جرم و جنایت، سنجه‌های بهزیستی ذهنی[۲۴] و شاخص‌های اقتصادی دیگر به‌عنوان ابزارهایی جهت سنجش سطح کیفیت زندگی پیشنهاد داده‌شده‌اند (Diener & Suh, 1997). دینر و سوه[۲۵] (۱۹۹۷)، بعد عینی کیفیت زندگی را مجموعه داشته‌های مادی متناسب با نیاز افراد معرفی می‌کنند که هراندازه این داشته با میزان احتیاجات افراد هماهنگ باشد نشانگر سطح بالاتر کیفیت زندگی عینی خواهد بود (نظیر مسکن، درآمد، حمل‌ونقل مناسب، بهداشت، دسترسی به غذای مناسب و کافی، روابط مثبت اجتماعی و...). همچنین کیفیت زندگی ذهنی را میزان رضایتمندی مردم از شرایط کلی زندگی معرفی می‌کنند به‌نحوی‌که لزوماً در ارتباط مستقیم باکیفیت زندگی عینی ممکن است نباشد؛ بنابراین بهزیستی شخصی ممکن است با پرسش از میزان خوشنودی یا رضایت مردم از زندگی یا بخشی از زندگی (شغل، سلامتی و غیره) سنجیده شود (Rapley, 2003:89).

کیفیت زندگی ذهنی: دینر (۱۹۹۴) بیان کرد که بهزیستی ذهنی به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی فرد از وضعیت زندگی‌اش به‌کاربرده می‌شود (Diener, 1994). همچنین وی بیان می‌کند که رضایت کلی فرد از زندگی‌اش و تنها جنبه مثبت دیدگاه فرد نسبت به زندگی‌اش در تعریف بهزیستی ذهنی مدنظر است (Diener et al, 1999). وینهوون[۲۶] (۱۹۹۱، ۱۹۹۳)، کیفیت زندگی ذهنی را درجه‌ای از قضاوت فرد راجع به کیفیت کلی زندگی‌اش وزندگی موردعلاقه‌اش تعریف می‌کند. قضاوت فردی راجع به حداقل چهار عامل نشان‌دهنده کیفیت زندگی ذهنی خواهد بود این چهار عامل عبارت‌اند از شرایط و آرمان‌ها، مقایسه با دیگران، میزان پایه شادی شخصی و چشم‌اندازهای جهتمند (Blanchflower & Oswald, 2004: 395). در تعریف کیفیت زندگی ذهنی باید اشاره نمود که تلفیق میزان و شدت

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1397.6.24.6.3]

احساسات لذت‌بخش فرد در زندگی نیز باید به‌حساب آورده شود و بیشتر از ماهیت قضاوت مثبت فرد از زندگی‌اش باید میزان احساس آسودگی فرد مدنظر قرار گیرد (Diener & Oishi, 2000; Diener, Sandyik, & Pavot, 199)، بر اساس نظر دینر و اوشی[27] (۲۰۰۰) رویکرد بهزیستی ذهنی بسیار دموکراتیک است؛ زیرا به مردم اجازه می‌دهد تا به‌جای کارشناسان، خود درباره کیفیت زندگی‌شان اظهارنظر کنند.

چارچوب مفهومی تحقیق

همان‌طور که در بالا گفته شد اثرات تغییرات اقلیمی در طول زمان موجب برهم زدن چرخه زیستی طبیعت شده و سازوکار اقتصادی-اجتماعی جوامع و معیشت سکونتگاه‌ها را برهم می‌زند. بدیهی است این فرآیند موجب کاهش شاخص‌های عینی کیفیت زندگی خانوارها خواهد شد. از طرفی در مطالعات بالا بیان شد که کیفیت زندگی ذهنی به‌طور قابل‌توجهی متأثر از وضعیت عینی کیفیت زندگی است؛ اما این امر لزوماً به معنای رابطه مستقیم این دو شاخص با یکدیگر ناست؛ به‌عبارت‌دیگر رضایتمندی افراد از زندگی لزوماً رابطه مستقیمی با سطح رفاه عینی آن‌ها ندارد (Diener et al, 1985; Pavot & Diener: 1993; Diener et al, 2015)؛ بنابراین کیفیت زندگی ذهنی و یا رضایتمندی تنها مقوله‌ای است که در برابر اثرات اقلیمی مقاومت نشان داده و لزوماً افت نمی‌کند. این امر سبب می‌شود که کیفیت زندگی ذهنی به‌عنوان ابزار و محرک در جهت کاهش آسیب‌پذیری و در قالب مفهوم انطباق‌پذیری در پژوهش حاضر در نظر گرفته شود؛ به‌عبارت‌دیگر نوشتار پیش‌رو چگونگی اثرگذاری ذهنیت افراد در تسهیل فرآیند انطباق‌پذیری در برابر تغییرات اقلیمی حادث‌شده را به‌عنوان فرضیه اصلی این تحقیق موردبررسی قرار می‌دهد. همان‌طور که در تصویر (۳) نشان داده‌شده است به نظر می‌رسد که کیفیت زندگی ذهنی به‌عنوان عاملی در کاهش آسیب‌پذیری به‌وسیله تقویت ساختارهای اجتماعی و نتیجتاً افزایش تاب‌آوری اجتماعی عمل کند.

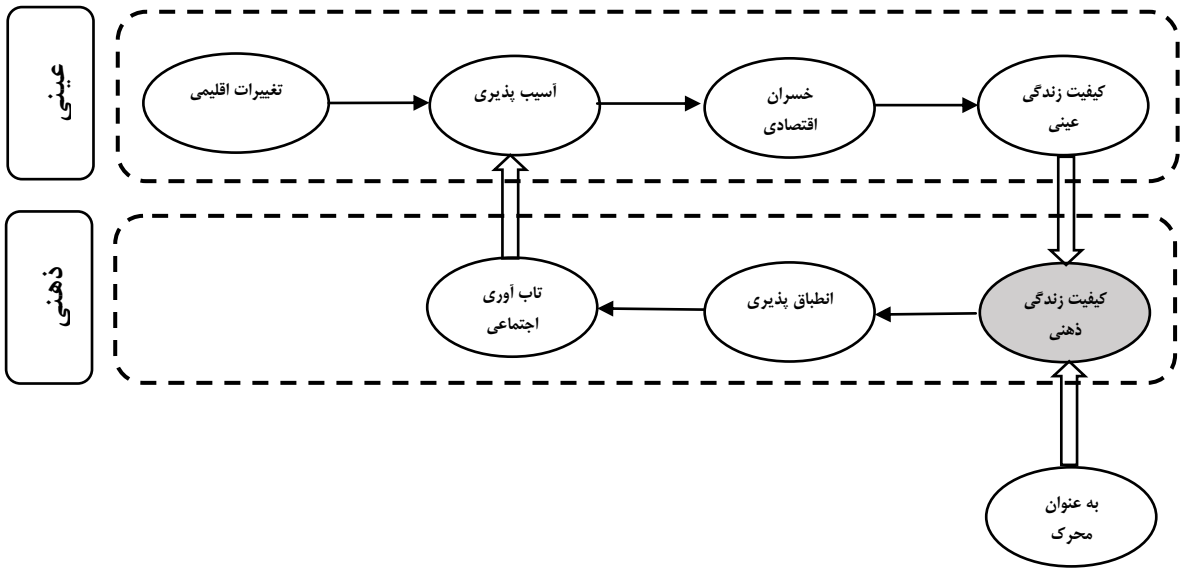

تصویر ۳- مدل مفهومی پژوهش در رابطه با سازوکار اثرگذاری کیفیت زندگی ذهنی به‌عنوان محرک بر کاهش میزان آسیب‌پذیری از طریق انطباق‌پذیری

نمونه موردی

شهرستان فامنین یکی از شهرستان‌های نه‌گانه استان همدان است که در شمال شرق این استان واقع‌شده است. این شهرستان از سمت شمال به شهرستان رزن، از سمت جنوب به شهرستان همدان، از سمت شرق به استان مرکزی و از سمت غرب به شهرستان کبودرآهنگ محدودشده است. شهرستان فامنین با مساحتی حدود ۱۳۶۰ کیلومترمربع، ۶٫۷ درصد از مساحت کل استان همدان را تشکیل می‌دهد این شهرستان از مراکز مهم تولید محصولات کشاورزی در سطح استان به شمار می‌رود. شهرستان فامنین در سال ۱۳۹۰ بالغبر ۴۲، ۴۸۵ نفر جمعیت داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1397.6.24.6.3]

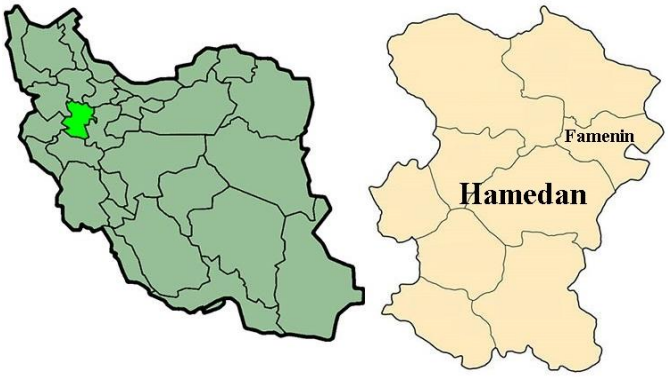

تصویر ۴- موقعیت جغرافیایی شهرستان فامنین در شرق استان همدان و غرب ایران

همان‌طور که از موقعیت جغرافیایی شهرستان فامنین در کشور ایران مشخص است می‌توان دریافت که طبق شکل ۱، این منطقه در قسمت بحرانی نشست آب‌های زیرزمینی قرار دارد. به‌نوعی می‌توان گفت که تغییرات اقلیمی و استفاده بیش‌ازحد از منابع زیرزمینی در بخش کشاورزی در ۱۵ سال گذشته موجب شده است تا آب‌های این منطقه دچار فرونشست[۲۸] شوند. این وضعیت در تصویر ۱ که وضعیت آب‌های زیرزمینی روستای سراوک را نمایش می‌دهد، قابل‌مشاهده است. در همین راستا وضعیت مواجهه با اثرات تغییرات اقلیمی با توجه به کیفیت زندگی عینی و ذهنی ساکنان آن‌ها در قالب مفهوم انطباق‌پذیری موردبررسی قرار می‌گیرد. تصویر ۴، موقعیت روستای سراواک و کارخانه آسفالت مجاور این روستا را نشان می‌دهد.

تصویر ۵- عکس ماهواره‌ای روستای سراوک و موقعیت آن نسبت به کارخانه آسفالت
(Google earth, 2017)

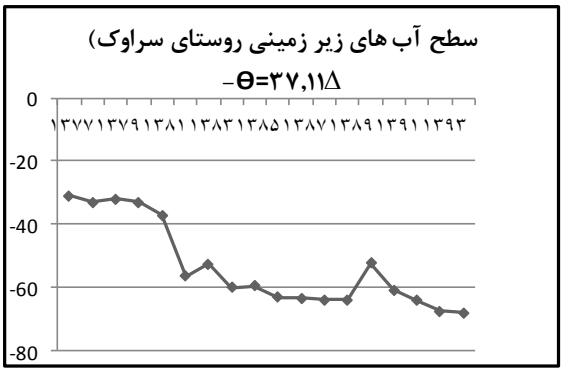

تصویر ۶- نمودار وضعیت کاهش سطح آب‌های زیرزمینی در روستای موردمطالعه سراوک بین سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۴
(شناسنامه جمعیتی شهرستان فامنین، ۱۳۹۲)

همان‌طور که در تصویر ۶ مشخص است، بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴، اولین نشانه‌های وجود بحران آب که ناشی از اثرات تغییرات اقلیمی و برداشت بی‌رویه از منابع آب‌های زیرزمینی است در روستای سراوک پدیدار شده است. در طرح‌های توسعه روستایی که برای این روستا توسط بنیاد مسکن شهرستان فامنین تهیه‌شده است بخش غالب اشتغال در این روستا بخش کشاورزی بافاصله زیادی از بخش‌های صنعت و خدمات

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1397.6.24.6.3]

در نظر گرفته‌شده است (طرح هادی روستای سراوک، ۱۳۸۶). البته در طرح‌های توسعه‌ای روستا که حدود سال ۱۳۸۶ تهیه‌شده است مطالعات بحران آب و کم‌آبی لحاظ نشده است، بنابراین به نظر می‌رسد که با توجه به کاهش آب‌های زیرزمینی در این روستا شاهد نوعی آسیب‌پذیری نسبت به تغییرات اقلیمی در آن بوده‌ایم. گواه این ادعا را می‌توان در آمارهای مهاجرتی موجود این روستا در دو دهه گذشته به‌وضوح مشاهده نمود. تصویر ۷، نرخ مهاجرت در روستای سراوک رابین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد.

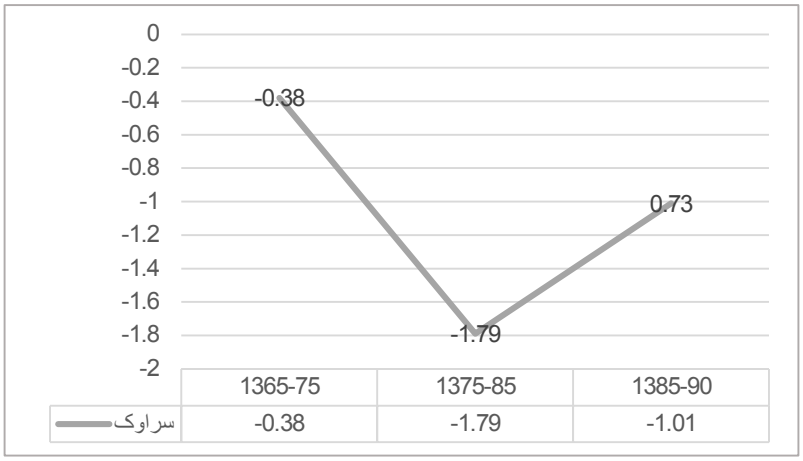

تصویر ۷- نرخ رشد جمعیتی در دو روستای موردمطالعه بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۷
(شناسنامه جمعیتی شهرستان فامنین، ۱۳۹۲)

با توجه به تصویر ۷، طی یک بازه ۲۰ ساله شاهد تشدید نرخ رشد منفی جمعیت در روستای سراوک یعنی بین سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۵ بوده‌ایم (کاهش جمعیت). با توجه به معیشت غالب این روستا که بخش کشاورزی بوده و محصول اصلی کشاورزی آن‌ها که گندم و جو بوده است توجیه کردن این نرخ رو به رشد منفی جمعیت و مهاجرت از روستای سراوک به شهرهای بزرگ اطراف که موقعیت‌های شغلی وجود داشته است میسر است (شناسنامه جمعیتی شهرستان فامنین، ۱۳۹۲). از طرفی طی سال‌های بعد از ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ شاهد کند شدن نرخ رشد منفی جمعیت بوده‌ایم (ثبات یا افزایش جمعیت). در سال ۱۳۹۰ نرخ رشد جمعیت به ۰.۷۳ رسیده است. چنین تغییر قابل‌توجهی در نرخ رشد جمعیت درزمانی کوتاه بسیار قابل‌توجه است.

روش تحقیق

در این تحقیق از طریق روش تحقیق کمی و از طریق روش تحلیل محتوا ابتدا به توصیف شرایط و ویژگی‌های خاص محدوده موردمطالعه پرداخته و روندها و اتفاقات موجود را مورد تحلیل قراردادیم. در ادامه و در قسمت پیمایش مرتبط با این روش تحقیق به جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای پرداختیم؛ بنابراین ابزار گردآوری اطلاعات در قسمت داده‌های اولیه پرسشنامه و در قسمت داده‌های ثانویه آمار و ارقام موجود در پایگاه آمار و اطلاعات سازمان آمار ایران به همراه اطلاعات موجود در طرح‌های توسعه روستایی موجود در بنیاد مسکن شهرستان همدان بوده است. فن و ابزار تحلیل اطلاعات تحلیل همبستگی آماری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS بوده است. به همین منظور با توجه به مدل مفهومی پژوهش حاضر پرسشنامه‌ای شامل ۱۰ سؤال مشتمل بر شاخص‌های کیفیت زندگی ذهنی و آسیب‌پذیری و انطباق‌پذیری بین ۳۲۴ نفر از ساکنین روستای موردمطالعه توزیع شد. حجم حداقل نمونه موردنیاز جهت اعتباربخشی به یافته‌های آماری از طریق فرمول کوکران ۳۰۴ نفر محاسبه گردید. جدول (۲)، متن سؤالات توزیع‌شده را نشان می‌دهد:

همان‌طورکه در جدول ۲، مشاهده می‌شود با توجه به مدل مفهومی پژوهش که سعی در استخراج اثر کیفیت زندگی ذهنی بر دو عامل آسیب‌پذیری و انطباق‌پذیری ناشی شده از اثرات اقلیمی داشته است پرسشنامه تحقیق تبیین شد. در این پرسشنامه سه مقوله موردنظر به‌صورت کلی در طیف لیکرت بین ۳۲۴ نفر از مردم روستای سراوک توزیع شد. در توزیع پرسشنامه‌ها سعی شد که غالباً سرپرست‌های خانوار و زنان که به‌طور مستقیم با اقتصاد خانوار و کیفیت زندگی عینی و همچنین مفاهیم آسیب‌پذیری و انطباق‌پذیری در ارتباط هستند مورد پرسش قرار گیرند. از بین ۳۲۴ پرسشنامه توزیع‌شده ۳۰۷ پرسشنامه پر شد و مورداستفاده پژوهشگران قرار گرفت که حاکی از نرخ مشارکت ۹۴ درصدی روستاییان دارد. از بین مشارکت‌کنندگان ۸۴ درصد مرد و ۲۶ درصد زن بوده‌اند. میانگین سن این شرکت‌کنندگان نیز ۴۴.۵ بوده است

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1397.6.24.6.3]

(M= 44.5, SD=0.73). برای بررسی روابط سه مقوله مورد پرسش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده‌شده است. ضریب همبستگی پیرسون بین ۱- و ۱ تغییر می‌کند. اگر این ضریب (r) برابر با یک باشد بیانگر رابطه بسیار قوی و مستقیم بین دو متغیر است، رابطه مستقیم یا مثبت به این معناست که اگر یکی از متغیرها افزایش (کاهش) یابد، دیگری نیز افزایش (کاهش) می‌یابد. اگر این ضریب به مقدار منفی یک محاسبه گردد وجود یک رابطه بسیار قوی اما معکوس رابین دو متغیر نشان می‌دهد. رابطه معکوس یا منفی نشان می‌دهد که اگر یک متغیر افزایش یابد متغیر دیگر کاهش می‌یابد و بالعکس. زمانی که ضریب همبستگی برابر صفر است نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه خطی وجود ندارد (Nolan & Heinzen, 2010).

جدول ۲- سؤالات مربوط به پرسشنامه سنجش، آسیب‌پذیری، انطباق‌پذیری و کیفیت زندگی ذهنی

متغیر	سؤال
کیفیت زندگی ذهنی	۱. به‌طورکلی این روزها چقدر از زندگی خود راضی هستید؟
	۲. به‌طورکلی چقدر احساس می‌کنید کارهایی که در زندگی انجام می‌دهد اهمیت دارد؟
	۳. به‌طورکلی دیروز چقدر احساس خوشحالی داشتید؟
	۴. به‌طورکلی دیروز چقدر احساس عصبانیت داشتید؟
آسیب‌پذیری	۵. فقدان درآمدهای ناشی از فعالیت‌های کشاورزی تا چه اندازه به زندگی شما آسیب‌زده است؟
	۶. آیا تغییر روزهای بارندگی و خشک در هر فصل تا چه حد ساختار زندگی شمارا تحت‌الشعاع قرار داده است؟
	۷. افت سطح آب‌های زیرزمینی که موجب انتقال سیار آب شرب به‌صورت روزانه به‌وسیله تانکر شده است تا چه حد آرامش روحی و جسمی خانواده شمارا تحت‌الشعاع قرار داده است؟
انطباق‌پذیری	۸. تا چه اندازه تمایل به ادامه زندگی در این محل پس از بین رفتن کامل امرار و معاش زندگی خود از طریق کشاورزی دارید؟
	۹. تا چه اندازه توانایی انجام مشاغل غیر از کشاورزی رادارید؟
	۱۰. اکنون‌که مجبور به تغییر شغل در این منطقه از کشاورزی به شغلی جدید شده‌اید تا چه اندازه برای آینده فرزندان خود احساس امنیت شغلی خواهید داشت؟

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین آسیب‌پذیری، انطباق‌پذیری و کیفیت زندگی ذهنی

متغیرها	آسیب‌پذیری	انطباق‌پذیری	کیفیت زندگی ذهنی
آسیب‌پذیری	۱		
انطباق‌پذیری	۰/۲۲*	۱	
کیفیت زندگی ذهنی	۰/۴۳	۰/۶۲**	۱

*p<0.05 و **p<0.01

در جدول بالا بین کیفیت زندگی ذهنی روستاییان و میزان انطباق‌پذیری در ذهن آن‌ها رابطه مستقیم و قوی وجود دارد (P<0.01، n=150، r=0/62) و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که هر چه رضایتمندی روستاییان سراوک نسبت به روستای خود بیشتر باشد، میزان آمادگی آن‌ها برای انطباق‌پذیری نیز بیشتر خواهد بود. درواقع همان‌طور که در فرضیه این تحقیق در مدل مفهومی آن ارائه شد کیفیت زندگی ذهنی می‌تواند در نقش اجتماعی برای ارتقاء میزان انطباق‌پذیری عمل کند. ارقام نشان می‌دهند که بین انطباق‌پذیری و آسیب‌پذیری رابطه معکوس و ضعیفی وجود دارد. درواقع اگرچه به‌طور منطقی هر چه میزان آسیب‌پذیری یک منطقه از اثرات تغییرات اقلیمی بیشتر باشد، انتظار می‌رود که انطباق‌پذیری در آن کمتر باشد ولی در این نمونه این رابطه ضعیف به‌دست‌آمده است که در این رابطه می‌توان به نقش میزان بالای کیفیت زندگی ذهنی روستاییان توجه کرد. همچنین تحلیل آماری همبستگی نشان داد که هیچ رابطه معنی‌داری به‌طور مستقیم بین کیفیت زندگی ذهنی و آسیب‌پذیری وجود ندارد. تصویر (۸)، سازوکار اثرگذاری کیفیت زندگی ذهنی روستاییان در روستای سراوک را نسبت به مقوله آسیب‌پذیری در برابر اثرات تغییرات اقلیمی نشان می‌دهد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1397.6.24.6.3]

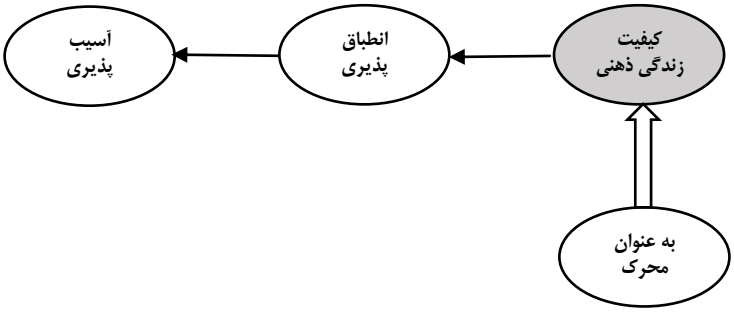

تصویر ۸- سازوکار اثرگذاری کیفیت زندگی بر آسیب‌پذیری از مسیر انطباق‌پذیری

بحث

در یک دهه گذشته تغییرات اقلیمی باعث از بین بردن نظم موجود در چرخه‌های زیستی اجتماعی و اقتصادی در بسیاری از جوامع شده است (Hoegh-Guldberg & Bruno, 2010). پژوهشگران متعددی این مطلب را با رویکردهای متفاوتی موردبررسی قرار داده‌اند. یکی از فراگیرترین و کاراترین این رویکردها انطباق‌پذیری است. بااین‌وجود بیشتر متخصصان انطباق‌پذیری را با ابعاد عینی و فیزیکی موردمطالعه قرار داده‌اند، از طرفی بحث‌های مرتبط باکیفیت زندگی ذهنی و عینی و بهزیستی ذهنی اخیراً با توجه به مسائل موجود جهانی در علوم اجتماعی جایگاه ویژه‌ای پیداکرده است. ازاین‌روی پژوهش حاضر در پی بررسی ابعاد ذهنی و مرتبط باکیفیت زندگی رویکردهای مطرح انطباق‌پذیری است. دلیل این امر این است که اثرات تغییرات اقلیمی غالباً باعث ضربه زدن و از بین بردن ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در یک مکان می‌شوند. اتخاذ رویکردهای ذهنی به‌مثابه یک محرک می‌تواند روند انطباق‌پذیری از وضعیت قبلی به حالت جدید را سرعت ببخشد.

اگرچه محققانی نظیر دومنو و اوبنگ[۲۹] (۲۰۱۶) به بررسی اثرات تغییرات اقلیمی بر روی آسیب‌پذیری اجتماعی پرداختند و در این زمینه عوامل را دسته‌بندی کرده و به‌عنوان عوامل اثرگذار جمعیت شناختی[۳۰]، اقتصادی و اجتماعی پیشنهاد دادند بااین‌حال نمی‌توان سازوکار و شدت این اثرگذاری و نقش ویژه عوامل اجتماعی را از این مطالعه مشخص نمود. این در حالی است که تحقیق حاضر به‌روشنی نحوه اثرگذاری مهم‌ترین عامل اجتماعی را که بیشترین ابعاد اجتماعی مرتبط دیگر را در برمی‌گیرد بر روی میزان انطباق‌پذیری، آسیب‌پذیری اجتماعی و درنهایت تاب‌آوری اجتماعی مشخص نمود. همچنین اریکسن و همکارانش در سال ۲۰۰۷ در گزارش خود رویکردی جامع را برای مقابله با فقر ناشی از تغییرات اقلیمی پیشنهاد دادند بااین‌حال رویکرد پیشنهادی آنان عمدتاً ابعاد عینی کیفیت زندگی و فقر را دربرمی گرفت و ابعاد رضایتمندی ساکنان موردتوجه و تأکید نبوده است. این در حالی است که تحقیق حاضر هر چه بیشتر بر ابعاد ذهنی کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان و نقش این سطح از رضایتمندی بر میزان و نحوه انطباق‌پذیری و شکل‌گیری تاب‌آوری اجتماعی در مقابل آسیب‌پذیری نسبت به تغییرات اقلیمی تأکید می‌کند. جنتل و ماراسنی[۳۱] در سال ۲۰۱۳ بامطالعه جوامع روستایی در نپال به این نتیجه رسیدند که فقر مادی میزان آسیب‌پذیری در مقابل تغییرات اقلیمی را دوچندان می‌کند. این در حالی است که یافته‌های این تحقیق کیفیت زندگی عینی را عامل اثرگذار بر میزان آسیب‌پذیری جوامع در برابر تغییرات اقلیمی معرفی می‌کند و این مسئله که آیا رضایتمندی ساکنان این روستاها با تأمین نیازهای مادی نیز بهبود خواهد یافت یا خیر یا اینکه آیا تنها عامل فقر مادی موجب افزایش میزان آسیب‌پذیری چنین سکونتگاه‌هایی شده است مورداشاره قرار نمی‌گیرد. مقاله حاضر با مروری بر این‌گونه رویکردها توجه محققان را هرچه بیشتر بر نقش مؤثر کیفیت زندگی ذهنی به‌عنوان محرکی در فرآیند انطباق‌پذیری اجتماعی و افزایش میزان تاب‌آوری اجتماعی در برابر آسیب‌پذیری تغییرات اقلیمی معطوف می‌دارد. در سال ۲۰۱۱، اریکسن و همکارانش اصول چهارگانه را برای دستیابی به انطباق‌پذیری پایدار پیشنهاد می‌دهند که اصل سوم بر استفاده از دانش محلی تأکید می‌کند. در این زمینه پرداختن به ویژگی‌های جوامعی که تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرارگرفته‌اند امری بسیار مهم تلقی می‌شود. البته علاوه بر دانش محلی که طی صدها و شاید هزاران سال راه‌های تعامل با طبیعت را نشان می‌دهد مطالعه و تأکید بر نیازمندی‌های ذهنی محلی نیز می‌بایست موردتوجه قرار گیرد و اولویت‌های حال حاضر ساکنین ازنظر ذهنی شناخته و دسته‌بندی شود. چراکه هدف نهایی بهبود میزان خشنودی ساکنان از زندگی در سکونتگاه‌ها است. اصل چهارم پیشنهادی این تحقیق نیز در نظر گرفتن ابعاد محلی و جهانی تغییرات اقلیمی را پیشنهاد می‌دهد. در این زمینه پرداختن به مقایسه کیفیت زندگی ذهنی محلی و جهانی سکونتگاه‌های روستایی و شهری و تشخیص شدت وخامت و اولویت‌های میزان بهزیستی ذهنی می‌تواند توسط پژوهش حاضر مورد تأکید قرار گیرد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1397.6.24.6.3]

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد روستای سراوک با توجه به وضعیت بحرانی منابع آبی که در قسمت غربی ایران بـه دلایـل تغییـرات اقلیمـی و مدیریت نادرست منابع به وجود آمده بود، به‌عنوان نمونه موردمطالعه این تحقیق انتخاب شد. مروری برافت سطح آب‌هـای زیرزمینـی منطقـه روستایی سراوک نشان داد که از سال ۱۳۸۱ افت شدیدی در وضعیت منابع آب زیرزمینی این روستا اتفاق افتاده است. برداشت‌هـای میـدانی و مطالعات اسنادی در رابطه با این روستا نشان داد که بخش کشاورزی که به‌عنوان اصلی‌ترین منبع درآمدی و معیشتی ساکنان این روستا تلقـی می‌شد در همان مهروموم‌ها به‌طور کامل از بین رفت. مطالعه نرخ رشد جمعیتی این روستا نشـان داد کـه دقیقـاً بعـدازاین نقطـه زمـانی رونـد جمعیتی این روستا عمدتاً به خاطر مهاجرت افت شدیدی داشته است. بااین‌وجود در طی دوره ده‌ساله بعدی روند رشد جمعیتی در طـی کـاهش مهاجرت افزایش چشمگیری داشته است.

از طرفی پرسشنامه‌هایی که بین روستاییان با توجه به مدل مفهومی پژوهش تبیین شـده بـود توزیـع شـد. در ایـن پرسشـنامه‌هـا سـه عامـل انطباق‌پذیری، آسیب‌پذیری و کیفیت زندگی ذهنی از طریق ۱۰ پرسش بین ۳۰۷ سرپرست خانوار موردبررسی قرار گرفت. تحلیل‌هـای آمـاری مستخرج از روش همبستگی نشان داد که رابطه معنی‌دار قوی و مستقیمی بین عامل انطباق‌پذیری و کیفیـت زنـدگی ذهنـی موجـود اسـت و همچنین رابطه معکوس ضعیفی نیز بین انطباق‌پذیری و آسیب‌پذیری وجود دارد. این مطلب بیانگر این واقعیت است که نگرش مردم به زندگی خود علی رقم خسران اقتصادی حادث‌شده براثر تغییرات اقلیمی موجب انطباق‌پذیری هرچه بیشتر آن‌ها با وضعیت موجود شده است.

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که چرا در چند سال اولی که روستا دچار بحران شده بود، روند انطباق‌پذیری بسیار کند صورت گرفت و موجب مهاجرت بسیاری از افراد از این روستا شد. مصاحبه‌های عمیق پژوهشگران با مردم نشان داد که عامل کیفیت زندگی ذهنی در قالـب نهادسازی محلی سبب شد که مردم این روستا در تصمیم‌گیری‌های خود به‌طور جمعی عمل کنند و بازسازی ساختارهای اجتمـاعی- اقتصـادی روستا را رقم زنند. پس به نظر می‌رسد مهم‌ترین عاملی که کیفیت زندگی ذهنی توانست در جهت انطباق‌پذیری و مقابله با آسیب‌پذیری ناشـی شده از تغییرات اقلیمی تولید کند عامل سرمایه اجتماعی بود که نمود عینی آن در سرمایه اقتصادی روستا در کارخانه آسفالتی که توسـط خـود روستاییان تأسیس شد ظهور پیدا کرد. روستاییان روستای سراوک بعد از وقوع تغییرات اقلیمی شروع به ترک زمین‌های کشـاورزی و مهـاجرت به شهرهای صنعتی و بزرگ‌تر اطراف نمودند، با مصاحبه‌های عمیقی که با بسیاری از مهاجران مجدد بازگشته به روستا صورت گرفت مشخص شد این روستاییان رضایتمندی را که در روستای خود داشتند هرگز در شهرهای مقصد مهاجرتشان بعد از بحران اقلیمی به دست نیاوردند. ایـن در حالی بوده است که در شهرهای صنعتی مهارت‌هایی را در طی چند سال به دست آورده بودن را با خود مجدداً به روستای زادگاهشان آوردند و به خاطر کیفیت زندگی ذهنی یا همان رضایتمندی از زندگی که در روسـتای خـود داشـتند مجـدداً بـه روسـتای خـود بازگشـته و ایـن بـار مهارت‌هایی غیر از کشاورزی را به کار گرفتند و به زندگی خود ادامه دادند.

نتیجه‌گیری

با توجه به روند رو به رشد تغییرات اقلیمی و تأثیراتی که چنین تغییراتی بر اکوسیستم‌ها، محیطزیست و ساختارهای اجتماعی مـی‌گذارنـد و بـا توجه به رویکردهای متفاوتی که در گرداگرد جهان توسط دولت‌ها و دانشمندان به کار گرفته‌شده است به نظر می‌رسد رویکرد انطبـاق‌پـذیری بتواند بین رویکردهای دیگر بیشترین کارایی و کمترین پیامدهای سوء را داشته باشد. در این زمینـه بـاوجود اقـدامات گونـاگونی کـه تـاکنون درزمینه انطباق‌پذیری به کار گرفته‌شده نقش کیفیت زندگی ذهنی به‌عنوان یکی از مهم‌تـرین عوامـل بـرای هـر چـه بیشـتر تـاب آور کـردن سکونتگاه‌های آسیب‌پذیر در برابر تغییرات اقلیمی، مورد غفلت قرارگرفته است. در تحقیق حاضر با بررسی یکی از چند روستایی کـه در اسـتان همدان و شهرستان فامنین به‌شدت تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرارگرفته‌اند مشخص شد عامل کیفیت زندگی ذهنی می‌توانـد بـه‌عنـوان یـک محرک اجتماعی باعث حفظ نهادهای اجتماعی و ساختارهای خانوادگی شده و موجب ماندگاری جمعیت در یک مکـان حتـی در شـرایط بـروز تغییرات شدید اقلیمی شود؛ بنابراین طبق مدل مفهومی پیشنهادی این تحقیق پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آینده در حین ارزیابی‌های مربـوط به میزان آسیب‌پذیری تغییرات اقلیمی نقش رضایتمندی ساکنین سکونتگاه‌هایی که تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرارگرفته‌انـد قبـل و بعـدازاین تغییرات موردانداز‌ه‌گیری قرارگرفته و در صورت عدم توانایی ساختارهای اجتماعی و خانوادگی این جوامع در انطباق‌پـذیری اقـداماتی کـه قـرار است از خارج در راستای افزایش تاب‌آوری اجتماعی چنین سکونتگاه‌هایی در آسیب‌پذیری تغییرات اقلیمی انجام شوند مسـئله کیفیـت زنـدگی ذهنی را هر چه بیشتر به‌عنوان یک عامل اجتماعی در تسریع روند انطباق‌پذیری هدف گرفته و از طریق آن بـه ارائـه راهکارهـای مربـوط بـه انطباق‌پذیری بپردازند. در نمونه موردمطالعه این تحقیق باوجود تغییرات شدید اقلیمی حادث‌شده ساختارهای جامعه روستایی روسـتای سـراوک بعد از مدتی در اثر نهادسازی و آموزش خود را بازسازی نموده و بسیاری از مهاجرانی که از این روستا به شهرهای صنعتی رفته بودند مجدد به

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1397.6.24.6.3]

این روستا بازگشتند. رضایتمندی غیرقابل جایگزین ساکنین این روستا باعث شد تا آن‌ها بعد از مهاجرت با آموزش‌هایی که در شهرهای صنعتی دیده بودند مجدداً روستای زادگاهشان را برای ادامه زندگی ترجیح دهند و به مشاغلی غیر از کشاورزی و عمدتاً درزمینه صنعت و خدمات مشغول به کار شوند. در اینجا عامل کیفیت زندگی ذهنی به‌عنوان یک محرک اجتماعی در تسریع فرآیند انطباق‌پذیری بین روستاییان عمل نموده و ساختارهای اجتماعی و خانوادگی را در فرآیندی کوتاه‌مدت بازسازی نموده است.

پی‌نوشت

1 Climate Changes
2 Vulnerability
3 Exposure
4 Sensitive
5 Adaptation
6 Resilience
7 Holling
8 Environmental Resilience
9 Folk
10 Social Resilience
11 Ferriss
12 Satisfaction
13 Social Well-being
14 Quality of Life
15 Hegarty
16 Sirgy & Cornwell
17 Dumenu & Obeng
18 Eriksen
19 Oslo
20 Adaptive measures
21 Gentle & Maraseni
22 Nepal
23 Good life
24 Subjective well-being
25 Diener & Suh
26 Veenhoven
27 Diener and Oishi
28 Subsidence
29 Dumenu & Obeng
30 Demographic
31 Gentle & Maraseni

منابع

- شناسنامه جمعیتی شهرستان فامنین. (۱۳۹۲). فرمانداری فامنین، گردآورنده سید رسول حسینی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰).
- Abbott, K. M. & Pachucki, M. C. (2016). Associations between social network characteristics, cognitive function, and quality of life among residents in a dementia special care unit: A pilot study. Dementia, 1471301216630907.
- Adger, W. N. (1999). Social vulnerability to climate change and extremes in coastal Vietnam. World development, 27, 2, 249-269.
- Adger, W. N. (2000). Social and ecological resilience: are they related? Progress in human geography, 24, 3, 347-364.
- Adger, W. N. Huq, S. Brown, K. Conway, D., & Hulme, M. (2003). Adaptation to climate change in the developing world. Progress in development studies, 3, 3, 179-195.
- Adger, W. N. Kelly, P. M., & Ninh, N. H. (Eds). (2012). living with environmental change: social vulnerability, adaptation and resilience in Vietnam. Routledge.
- Afrakhteh, H. Armand, M., & Askari Bozayeh, F. (2015). Analysis of Factors Affecting Adoption and Application of Sprinkler Irrigation by Farmers in Fannin County, Iran. International Journal of Agricultural Management and Development, 5, 2, 89-99.
- Akter, S. & Mallick, B. (2013). The poverty–vulnerability–resilience nexus: Evidence from Bangladesh. Ecological Economics, 96, 114-124.
- Aldy, J. E. (2015). Pricing climate risk mitigation. Nature Climate Change, 5, 5, 396-398.
- Barnett, S. D. Connor, K. M. & Davidson, J. R. (2001). The self-assessment of resilience and anxiety: psychometric properties. CNS spectrums, 6, 10, 854-857.
- Blaikie, P. Cannon, T. Davis, I. & Wisner, B. (2014). At risk: natural hazards, people's vulnerability and disasters. Routledge.
- Blanchflower, D. G. & Oswald, A. J. (2004). Money, sex and happiness: An empirical study. The Scandinavian Journal of Economics, 106, 3, 393-415.
- Boonstra, W. J. & Hanh, T. T. H. (2015). Adaptation to climate change as social–ecological trap: a case study of fishing and aquaculture in the Tam Giang Lagoon, Vietnam. Environment, Development and Sustainability, 17, 6, 1527-1544.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1397.6.24.6.3]

– Burton, I. & Development programmed United Nations. (2005). Adaptation policy frameworks for climate change: developing strategies, policies and measures (p. 258). B. Lim (Ed). Cambridge: Cambridge University Press.
– Cannon, T. & Müller-Mahn, D. (2010). Vulnerability, resilience and development discourses in context of climate change. Natural hazards, 55, 3, 621-635.
– Cutter, S. L. Boruff, B. J. & Shirley, W. L. (2003). Social vulnerability to environmental hazards*. Social science quarterly, 84, 2, 242-261.
– Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2008). Hedonia, eudaimonia, and well-being: An introduction. Journal of Happiness Studies, 9, 1, 1-11.
– Diener, E. (1994). Assessing subjective well-being: Progress and opportunities. Social indicators research, 31, 2, 103-157.
– Diener, E. D. Emmons, R. A. Larsen, R. J. & Griffin, S. (1985). The satisfaction with life scale. Journal of personality assessment, 49, 1, 71-75.
– Diener, E. & Biswas-Diener, R. (2002). Will money increase subjective well-being? Social indicators research, 57, 2, 119-169.
– Diener, E. & Oishi, S. (2000). Money and happiness: Income and subjective well-being across nations. Culture and subjective well-being, 185-218.
– Diener, E. & Suh, E. (1997). Measuring quality of life: Economic, social, and subjective indicators. Social indicators research, 40(1-2), 189-216.
– Diener, E. Kanazawa, S. Suh, E. M. & Oishi, S. (2015). Why people are in a generally good mood. Personality and Social Psychology Review, 19, 3, 235-256.
– Diener, E. Kanazawa, S. Suh, E. M. & Oishi, S. (2015). Why people are in a generally good mood. Personality and Social Psychology Review, 19, 3, 235-256.
– Diener, E. Oishi, S. & Lucas, R. E. (2003). Personality, culture, and subjective well-being: Emotional and cognitive evaluations of life. Annual review of psychology, 54, 1, 403-425.
– Diener, E. Sandvik, E. & Pavot, W. (1991). Happiness is the frequency, not the intensity, of positive versus negative affect. Subjective well-being: An interdisciplinary perspective, 21, 119-139.
– Downing, T. E. (1992). Climate change and vulnerable places: global food security and country studies in Zimbabwe, Kenya, Senegal and Chile.
– Dumenu, W. K. & Obeng, E. A. (2016). Climate change and rural communities in Ghana: Social vulnerability, impacts, adaptations and policy implications. Environmental Science & Policy, 55, 208-217.
– Eriksen, S. E. Klein, R. J. Ulsrud, K. Næss, L. O. & O'Brien, K. (2007). Climate change adaptation and poverty reduction: Key interactions and critical measures. GECHS report, 1, 1-44.
– Eriksen, S. Aldunce, P. Bahinipati, C. S. Martins, R. D. A. Molefe, J. I. Nhemachena, C. … & Ulsrud, K. (2011). When not every response to climate change is a good one: Identifying principles for sustainable adaptation. Climate and Development, 3, 1, 7-20.
– Fayers, P. & Machin, D. (2013). Quality of life: the assessment, analysis and interpretation of patient-reported outcomes. John Wiley & Sons.
– Ferriss, A. L. (2006). A theory of social structure and the quality of life. Applied research in quality of life, 1, 1, 117-123.
– Füssel, H. M. (2007). Adaptation planning for climate change: concepts, assessment approaches, and key lessons. Sustainability science, 2, 2, 265-275.
– Gallopín, G. C. (2006). Linkages between vulnerability, resilience, and adaptive capacity. Global environmental change, 16, 3, 293-303.
– Gow, G. A. (2005). Policymaking for critical infrastructure.
– Hamzekhani, F. G. Saghafian, B. & Araghinejad, S. (2016). Environmental management in Urmia Lake: thresholds approach.International Journal of Water Resources Development, 32, 1, 77-88.
– Hegarty, M. Macdonald, J. Watter, P. & Wilson, C. (2009). Quality of life in young people with cystic fibrosis: effects of hospitalization, age and gender, and differences in parent/child perceptions. Child: care, health and development, 35, 4, 462-468.
– Helliwell, J. F. Layard, R. & Sachs, J. (2013). World happiness report.
– Herrick, J. E. & Beh, A. (2015). A risk-based strategy for climate change adaptation in dryland systems based on an understanding of potential production, soil resistance and resilience, and social stability.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1397.6.24.6.3]

In Sustainable Intensification to Advance Food Security and Enhance Climate Resilience in Africa (pp. 407-424). Springer International Publishing.
– Hewitt, K. (1997). Regions of Risk: Hazards, Vulnerability and Disaster.
– Hoegh-Guldberg, O. & Bruno, J. F. (2010). The impact of climate change on the world's marine ecosystems. Science, 328, 5985, 1523-1528.
– Holling, C. S. (1973). Resilience and stability of ecological systems.Annual review of ecology and systematics, 1-23.
– Houghton, J. T. & Callander, B. A. (1992). Climate change 1992. Cambridge University Press.
– Hufschmidt, G. (2011). A comparative analysis of several vulnerability concepts. Natural Hazards, 58, 2, 621-643.
– Kalnay, E. & Cai, M. (2003). Impact of urbanization and land-use change on climate. Nature, 423, 6939, 528-531.
– Leichenko, R. (2011). Climate change and urban resilience. Current opinion in environmental sustainability, 3, 3, 164-168.
– Lever, J. P. & Estrada, A. V. (2016). Psychological and Social Determinants of Subjective Well-Being in Mexico: Poverty, Class Identification and Social Mobility. In Handbook of Happiness Research in Latin America (pp. 389-403). Springer Netherlands.
– Liu, H. Han, X. Xiao, Q. Li, S. & Feldman, M. W. (2015). Family Structure and Quality of Life of Elders in Rural China: The Role of the New Rural Social Pension. Journal of aging & social policy, 27, 2, 123-138.
– Lobell, D. B. & Burke, M. B. (2008). Why are agricultural impacts of climate change so uncertain? The importance of temperature relative to precipitation. Environmental Research Letters, 3, 3, 034007.
– Magadza, C. H. D. (2000). Climate change impacts and human settlements in Africa: prospects for adaptation. Environmental Monitoring and Assessment, 61(1), 193-205.
– Markandya, A. & Halsnaes, K. (2002). Climate change and sustainable development: prospects for developing countries. Earthscan.
– McCarthy, J. J. (2001). Climate change 2001: impacts, adaptation, and vulnerability: contribution of Working Group II to the third assessment report of the Intergovernmental Panel on Climate Change. Cambridge University Press.
– McGranahan, G. Balk, D. & Anderson, B. (2007). The rising tide: assessing the risks of climate change and human settlements in low elevation coastal zones. Environment and urbanization, 19, 1, 17-37.
– Meadows, D. H. Meadows, D. L. & Randers, J. (1992). Beyond the limits: global collapse or a sustainable future. Earthscan Publications Ltd.
– Nolan, S. A. & Heinzen, T. (2010). Essentials of statistics for the behavioral sciences. Macmillan.
– OECD. (2013). OECD guidelines on measuring subjective well-being. Paris, France: OECD Publishing. doi: http://dx.doi.org/10.1787/9789264191655-en.
– Pavot, W. & Diener, E.(1993).Review of the satisfaction with life scale.Psychological assessment,5,2,164.
– Pelling, M. (2003). The Vulnerability of Cities: social resilience and natural disaster. London: Earthscan, 212.
– Pelling, M. (2012). The vulnerability of cities: natural disasters and social resilience. Earthscan.
– Phillips, D. (2006). Quality of life: Concept, policy and practice. Routledge.
– Phillips, D. (2006). Quality of life: Concept, policy and practice. Routledge.
– Rapley, M. (2003). Quality of life research: A critical introduction. Sage.
– Turner, B. L. Kasperson, R. E. Matson, P. A. McCarthy, J. J. Corell, R. W. Christensen, L., & Polsky, C. (2003). A framework for vulnerability analysis in sustainability science. Proceedings of the national academy of sciences, 100, 14, 80748079.
– Vitale, A. S. (2008). City of disorder: How the quality of life campaign transformed New York politics. NYU Press.
– Watson, R. T. Zinyowera, M. C. Moss, R. H. & Dokken, D. J. (1996). Climate change 1995. Impacts, adaptions and mitigation of climate change: scientific-technical analyses.
– Yuen, E. Jovicich, S. S. & Preston, B. L. (2013). Climate change vulnerability assessments as catalysts for social learning: four case studies in south-eastern Australia. Mitigation and Adaptation Strategies for Global Change, 18, 5, 567-590.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-12-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1397.6.24.6.3]